

اخلاق در قرآن

محمد رضا حاتمی*

چکیده

اصلی‌ترین هدف تربیتی قرآن کریم، که با هدف پروردن گوهر انسانی در کالبد آدم خاکی فرود آمده است، تحقق فضایل اخلاقی می‌باشد. آموزه‌های نظری و عملی این کتاب آسمانی، که سندی الهی و گنجینه‌ی معارف و اخلاق است، نظامی می‌سازد که در آن، هر کس به انسان کامل اخلاقی تبدیل می‌شود؛ بدین ترتیب، اخلاق‌پژوهی با محور قرآن، همراه با بهره‌گیری از میراث اخلاقی مسلمانان و ظرفیت‌های علوم مختلف، زمینه‌ی تحقیقات جدیدی فراهم می‌آورد. آنچه در این مقاله پیش روی دارید، کوششی برای استخراج آیات اخلاقی و موضوع‌بندی آنهاست؛ به همین دلیل، مباحث مقاله عبارت‌اند از: مقدمه، تقسیم‌بندی آموزه‌های قرآنی، رابطه‌ی اخلاق و قرآن، پیشینه‌ی موضوع، معیار دسته‌بندی آیات اخلاقی، موضوعات آیات اخلاقی و بالاخره نتیجه‌گیری.

واژگان کلیدی: آیات اخلاقی، معیار دسته‌بندی آیات، موضوعات اخلاقی.

مقدمه

قرآن، بی‌شک، کتاب بزرگ اخلاقی است و یکی از اهداف اصلی اش اصلاح و تکامل اخلاق بشر می‌باشد. خدا در قرآن مجید بر مؤمنان منت نهاده که رسولی از جنس خودشان مبعوث ساخت است تا آیات خدا را بر آنان تلاوت کند و در تهذیب و تزکیه‌ی اخلاق آنها بکوشد.^۱ آموزه‌های نظری و عملی این کتاب آسمانی، که سندی الهی و گنجینه‌ی معارف و اخلاق است، نظامی می‌سازد که در آن، هر کس به انسان کامل اخلاقی تبدیل می‌شود. روشن است که هیچ علمی حتی روان‌شناسی هم نتوانسته است جای علم اخلاق را پر کند، زیرا، همواره، موضوعاتی هستند که به اخلاق اختصاص دارند؛ بدین ترتیب، اخلاق پژوهی با محور قرآن، همراه با بهره‌گیری از میراث اخلاقی مسلمانان و ظرفیت‌های علوم مختلف، زمینه‌ی تحقیقات جدید را فراهم می‌آورد؛ تحقیقاتی که افزون بر بالندگی و توسعه‌ی علم اخلاق اسلامی، می‌تواند در مباحث مختلف و از جمله روان‌شناسی راه‌گشا باشد.

در این باره، یکی از پژوهش‌های حوزه‌ی اخلاق پژوهی قرآنی، استخراج آیات اخلاقی و موضوع‌بندی آیات است، بدین منظور که موضوعات اخلاقی قرآن را تحت عناوین مفهومی گرد آورد؛ به همین دلیل، مباحث مقاله، که در صدد دست‌یابی به این هدف است، عبارت‌اند از: تقسیم‌بندی آموزه‌های قرآنی، رابطه‌ی اخلاق و قرآن، پیشینه‌ی موضوع، معیار دسته‌بندی آیات اخلاقی، موضوعات آیات اخلاقی و بالاخره نتیجه‌گیری.

تقسیم‌بندی آموزه‌های قرآنی

آموزه‌ها و آیات قرآن بدون هیچ تفکیکی میان مباحث اعتقادی، اخلاقی و فقهی، بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده و برای رسیدن به سعادت، که همانا قرب الهی می‌باشد، به دست ما رسیده است، ولی با نگرشی دقیق در ترتیب نزول آیات قرآن، درمی‌یابیم آیاتی که در مکه نازل شده، از نظر محتوا، دارای مفاهیمی توحیدی، دعوت مردم به پرستش خدای

۱. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. آل عمران: ۱۶۴. از پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ نیز نقل شده است: «بُعِثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم». (فیض کاشانی، محجة البیضا، ج ۴، ص ۱۲۱).

یکتا و دوری از شرک و بت‌پرستی است و پس از آن، دعوت مؤمنان به تقوای الهی و اخلاق اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ به عبارتی، قرآن در آیات مکی در قالب‌های مختلف کوشید، ابتدا، پایه‌های بت‌پرستی را سست کند و سپس با ارائه‌ی استدلال‌های فراوان، یگانگی خداوند، یعنی توحید و قدرت مطلقه‌ی او و دیگر صفات جلال و جمالش را به مردم تفهیم نماید. رسول خدا ﷺ هم براساس این، در نخستین مرحله‌ی ابلاغ رسالت، از توحید سخن گفتند. سپس با توجه ویژه به اخلاق، به تهذیب جامعه از رذایل اخلاقی اهتمام ورزیدند. پس از این دو مرحله، خدای رحمان، در آیات مدنی، مسائل مربوط به احکام و فقه را مورد توجه قرار داد. در حقیقت، با این کار، تقدّم توحید و اخلاق را در سیر دعوت رسول خدا ﷺ بر فقه و احکام اعلام می‌فرماید؛ از این رو، به اقتباس از قرآن و احادیث، دریافت می‌شود که رهنمودهای قرآنی، ابتدا، به توحید، سپس به اخلاق و پس از آن به احکام و فقه توجه دارد و به همین ترتیب، علوم و معارف دینی، متشکل از سه بخش توصیفی، ارزشی و تکلیفی است که ضامن رشد و سلامت مادی و معنوی جامعه‌ی انسانی می‌باشد.

از سوی دیگر، تعیین دقیق قلمرو دانش‌های اسلامی و تفکیک فقه و عقاید و اخلاق، به روشمندی و کارآمدی پژوهش و دقت بیشتر کاوش‌ها منتهی خواهد شد؛ از این رو، علمای علوم مختلف اسلامی، به منظور تنظیم و ترتیب مباحث برای تعلیم و تألیف، به تفکیک آن مبادرت ورزیده و آموزه‌های قرآنی را در جمع‌بندی کلی، به حوزه‌ی اعتقادات، اخلاق و احکام تقسیم نموده‌اند. هر یک از این مجموعه‌ها در دستگاه معرفتی دینی اهمیت و جایگاه خود را در عرض دیگری یافته است؛ دسته‌ی نخست، توصیف واقع‌نما و جامعی از دستگاه آفرینش با ارائه‌ی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر نقش‌آفرین آن می‌باشد که آغاز و انجام هستی را در نظام منسجم تفسیر کند. بیشتر این گزاره‌ها با ساحت شناخت، آگاهی و باورهای انسان ارتباط دارد؛ بدین ترتیب، هرگاه پژوهش ما بررسی صدق و کذب گزاره‌هایی باشد که در آن به بیان هست‌ها و نیست‌های کلان نظام آفرینش (خدا، انسان و جهان) پرداخته شده، پژوهش ما در حوزه‌ی عقاید است.

پس از نظام توصیفی یا اعتقادی، نظام اخلاقی یا نظام ارزشی قرار دارد و انسان موظف است اعمال و منش خود را براساس آن تنظیم کند و جهت‌یابی کمال و تعالی را در قالب

بایدها و نبایدهای اخلاقی از آن دریافت نماید. بیشتر این گزاره‌ها ناظر به ساحت روحی انسان است و از تأثیر اعمال بر جان آدمی سخن می‌گوید. سستی در تزکیه‌ی اخلاق، چه بسا موجب از دست رفتن اعتقادات اصلی آدمی می‌شود. قرآن از این معنا پرده برداشته و نشان داده است که بعضی از عادت‌ها و خلق‌های ناپسند، مانع از ایمان به خدا می‌شود. چه فراوانند کسانی که اخلاق نیک و صفات پسندیده‌شان موجب هدایت آنان به مسیر حق شده است و بسیاریند افرادی که کردار ناپسند و صفات زشت، راه فهم و شناخت حقایق را بر آنان بسته است.^۲ دسته‌ی سوم نیز نظام باید و نبایدهای حقوقی است که بیشتر ناظر به ساحت ظاهری وجود انسان می‌باشد و درصدد تنظیم روابط اجتماعی یا ترسیم قالب و صورت عمل است.^۳

رابطه‌ی اخلاق و قرآن

آموزه‌های اخلاقی، همواره، جاذبه‌ی ویژه‌ای برای افراد داشته است، به ویژه چنانچه از چشم‌انداز قرآنی به آن نگریسته شود، حرمت و جاذبه‌ی اخلاق دوچندان خواهد شد. فراخوان گسترده و تأکیدهای چندین باره‌ی قرآن کریم به سازندگی اخلاقی، تهذیب نفس و ارزش‌های والای انسانی، بیان‌کننده‌ی جایگاه والای اخلاق در اهداف دین است.^۴ قلمرو رابطه‌ی قرآن و اخلاق بسیار گسترده می‌باشد و آموزه‌های اخلاقی قرآن یکی از مهم‌ترین بخش‌ها، بلکه روح کلی جاری قرآن کریم به شمار می‌رود، به گونه‌ای که اگر قرآن کریم را کتاب تاریخ، فلسفه، علوم طبیعی یا کتابی در هر یک از علوم بدانیم، نمی‌توانیم تعریفی جامع از قرآن داشته باشیم، ولی اگر گفته شود قرآن کتاب اخلاق است، نه بر قرآن جفا شده است و نه آیاتی از آن از گستره‌ی تعریف بیرون خواهد ماند. حتی بیشتر داستان‌های قرآنی به منظور نتایج و آثار اخلاق و رفتار خوب یا بد پیشینیان آورده شده است. قرآن، به یقین، کتاب بزرگ اخلاقی است که اخلاق را در وجود انسان شکوفا می‌کند و زمینه‌ی تجلی نور قرآن را در قلب وی پدید می‌آورد.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *فلسفه‌ی اخلاق*، ص ۲۸.

۳. مهدوی کنی، صدیقه، *ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن*، ص ۳۳.

۴. جمعی از نویسندگان، *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی*، ص ۱۷.

از نگاه قرآن می‌توان مباحث مختلف مربوط به اخلاق را سامان داد؛ برای نمونه، با تنظیم و تنسیق قواعد کلی اخلاقی، راه را برای علم اخلاق قرآنی هموار کرد. افزون بر این، می‌توان با تأمل در قواعد مذکور و بهره‌گیری از نصوص و ظواهر آیات قرآن، مبنای ارزش‌های اخلاقی را کشف نمود و زمینه‌ی حصول اخلاق هنجاری یا نظریه‌ی اخلاقی برگرفته از قرآن را فراهم آورد. همچنین می‌توان با تأمل در قواعد اخلاقی قرآن و نظریه‌ی اخلاقی برگرفته از آن، در کنار بهره‌گیری از هستی‌شناسی و به ویژه انسان‌شناسی قرآنی، مبانی فلسفی اخلاقی را هم به دست آورد و از رهگذر آن، فرااخلاق ملهم از قرآن را تدوین نمود.^۵

پیشینه‌ی تحقیق

بررسی پیشینه‌ی هر موضوع پژوهشی، از جهات زیادی سودمند و مؤثر است؛ از سویی، با دست‌یابی به افکار و اندیشه‌های پیشینیان درباره‌ی موضوع مورد پژوهش، از تجارب علمی آنان آگاه شده، زمینه‌ی همه‌جانبه‌ی دیدن موضوع و قدرت تحلیل بیشتر برای پژوهشگران فراهم می‌گردد و آنان را قادر می‌سازد پژوهشی جامع و کامل ارائه نمایند. از سوی دیگر، پژوهشگران با مطالعه‌ی پژوهش‌های پیشین، به کمبودها و کاستی‌های آنها پی برده، با ارائه‌ی پژوهش‌های نو، درصدد جبران و رفع کمبودهای آنها برمی‌آیند که تأثیر فراوانی در تکامل و توسعه‌ی آن دارد. این امر افزون بر استفاده‌ی ضمنی از تجارب دیگران، پژوهشگر را از انجام پژوهش‌های تکراری و موازی، که امروزه از آفت‌های بزرگ عرصه‌های پژوهشی است، بر حذر می‌دارد؛ از این رو، بایسته است پیشینه‌ی موضوع مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه، مناسب است به پژوهش‌های ویژه‌ی اخلاق در قرآن اشاره شود.

«آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی»، با استفاده از روش تفسیر موضوعی، آیات اخلاقی قرآن را مورد توجه قرار داده و مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان *اخلاق در قرآن* تألیف نموده است؛ بدین ترتیب، ابتدا، آیات مربوط به هر موضوع انتخاب، دسته‌بندی، ترجمه و تفسیر می‌شود و سرانجام، بحثی روایی نیز در ذیل هر بخش ارائه شده است. مجلد نخست در کلیات مسائل اخلاقی بحث می‌کند. جلد دوم و سوم نیز درباره‌ی جزئیات

مباحث اخلاقی و مصادیق آن به طور گسترده بحث می‌نماید.^۶

«آیت‌الله مصباح» نیز در بین موضوعات مختلف قرآنی، سهمی از تلاش علمی خود را برای موضوع اخلاق در قرآن کریم اختصاص داده است. ایشان در کتاب/اخلاق در قرآن به تناسب آن که رفتار اختیاری انسان در چه رابطه‌ای انجام می‌گیرد، این رفتارها را به سه دسته‌ی کلی تقسیم کرده است: نخست، کارهایی که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد. دوم، رفتارهایی که اصالتاً به خود انسان مربوط می‌شود. سوم، کارهایی است که انسان در ارتباط با دیگران انجام می‌دهد و روابطی است که با دیگران برقرار می‌کند؛ بدین ترتیب، معظم‌له براساس تقسیم‌بندی فوق، اخلاق در قرآن را زیر سه عنوان کلی مطرح کرده است: ۱. اخلاق الهی؛ ۲. اخلاق فردی؛ ۳. اخلاق اجتماعی.^۷

مجموعه‌ی شریف تفسیر موضوعی قرآن کریم، اثر «آیت‌الله جوادی آملی» در این میدان به خوبی وارد شده است. جلد یازدهم از این مجموعه، که عنوان «مراحل اخلاق در قرآن» را به خود گرفته، در سه بخش تدوین گشته است: در بخش نخست، موانع نظری و عملی سیر و سلوک بررسی شده است. در بخش دوم، مراحل مانع‌زدایی از سیر و سلوک تشریح گشته است و سرانجام در بخش سوم، مقامات عارفان و مراحل سیر و سلوک تبیین شده است. البته این اثر عمیق هر چند قرآن را با عرفان و اخلاق عرفانی بسیار نزدیک کرده و حاوی مطالب عمیق در زمینه‌ی اخلاق عرفانی است، ولی به تناسب عنوان تفسیر موضوعی قرآن، به بررسی اجمالی آیات بسنده کرده و مراحل سیر و سلوک را براساس کتاب/وصاف/لاشرف تبیین نموده است.^۸

ملاک دسته‌بندی آیات اخلاقی

مبنای کار، جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات اخلاقی قرآن مجید است؛ بدین منظور، باید خود را در چارچوب ویژه‌ای قرار داد و با طرحی ازپیش تعیین‌شده، به مطالعه‌ی قرآن و تدبر در آیات آن پردازیم و آنچه در باب مسائل و موضوعات اخلاقی و به ویژه مراحل تکامل اخلاقی

۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن.

۷. مصباح، محمدتقی، اخلاق در قرآن.

۸. جوادی آملی، عبدالله، مراحل اخلاق در قرآن.

دریافتیم، فهرست کنیم. الگوها و روش‌هایی که اندیشمندان و پژوهشگران قرآنی پیشنهاد می‌دهند، متنوع و مختلف است و در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. در نظر گرفتن و تمرکز بر سوره یا آیاتی از آن که به نظر می‌رسد اصول کلی اخلاق در آن ترسیم شده است.

نمونه‌ای از این آیات، آیات سوره‌ی لقمان است که از آیه‌ی ۱۲ به بعد، در زمینه‌ی معارف و عقاید، نخست از شکر منعم سخن می‌گوید و بلافاصله وجدانش وی را به شناخت بخشنده‌ی نعمت دعوت می‌نماید و این آغاز راه برای معرفه‌الله است. سپس به سراغ توحید می‌رود و در مرحله‌ی دیگر، سخن از معاد می‌گوید که دومین پایه‌ی مهمّ معارف دینی است. سرانجام نیز به اصول اساسی اخلاق و حکمت عملی توجه می‌کند؛ به این ترتیب، می‌بینیم که بخش زیادی از فضایل اخلاقی، در قالب حکمت لقمان در آیات منعکس است که شامل شکر، صبر، حسن خلق، تواضع، میانه‌روی، دعوت به نیکی‌ها و مبارزه با بدی‌ها می‌شود که ضمن هفت آیه توضیح داده شده است. (آیات ۱۳ تا ۱۹).

همچنین در آیات سه‌گانه‌ی سوره‌ی انعام، که از آیه‌ی ۱۵۱ آغاز و به ۱۵۳ ختم می‌شود، ده فرمان مهم بیان شده که قسمت مهمّی از اصول اخلاقی را دربر گرفته است، مانند ترک ظلم و ستم به فرزندان، ایتمام و مردم، رعایت عدالت در برابر هر کس، ترک جانبداری تعصب‌آلود از نزدیکان، بستگان و دوستان در برابر نقض اصول عدالت، پرهیز از زشت‌کاری‌های ظاهر و باطن، حق‌شناسی در برابر پدر و مادر، پرهیز از آنچه موجب تفرقه می‌شود و نیز اجتناب از هرگونه شرک.^۹

ب. در نظر گرفتن و تمرکز بر آیاتی که به بیماری‌های روحی و اخلاقی اختصاص یافته‌اند. شایان توجه این که در دوازده آیه‌ی قرآن مجید، از بیماری‌های روحی و اخلاقی، تعبیر به مرض شده است، مانند آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی بقره، صفت زشت نفاق را بیماری قلمداد کرده است. در آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی احزاب، شهوت‌پرستان را بیماردلانی معرفی می‌کند که در کمین زنان باعفت‌اند. در آیات دیگر نیز به همین معانی یا معنای گسترده‌تر که تمام انحرافات اخلاقی و عقیدتی را فرامی‌گیرد، اشاره شده است.^{۱۰}

۹. مکارم شیرازی، ناصر، /اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۰. همان، ص ۱۲۵.

ج. تمرکز بر آیاتی که بر الگوهای قرآنی اشاره دارد و سیر و حرکت انسان را به لقای الهی منتهی می‌کند.

قرآن کریم در تعبیری پرمعنا، دل‌هایی را که کانون نور معرفت و اخلاق و تقواست، قلب سلیم معرفی نموده است. سلیم از ماده‌ی سلامت، در برابر فساد و انحراف و بیماری است و قلب سلیم، به گونه‌ای که از روایات معصومان^{۱۱}، که در تفسیر برخی آیات وارد شده است، بر می‌آید قلبی است که خالی از غیر خدا و از هرگونه بیماری اخلاقی و روحانی برکنار باشد. همچنین در چندین آیه، انسان مسافری قلمداد می‌شود که به سوی خدا در حرکت است و نهایت سیرش ملاقات با خدای سبحان می‌باشد.^{۱۱}

د. براساس تقسیم‌بندی دیگری که از آیات قرآن استفاده می‌شود، آیات اخلاقی را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد: ۱. مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق؛ ۲. مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق؛ ۳. مسائل اخلاقی در ارتباط با خویشان؛ ۴. مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت و به همین صورت، آیات مناسب هر بخش را انتخاب و دسته‌بندی نمود. شکرگزاری (شکر منعم) و خضوع در پیشگاه خداوند و رضا و تسلیم در برابر فرمان او و مانند اینها، جزو گروه نخست است. فروتنی، ایثار و فداکاری، محبت و حسن خلق، همدردی و همدلی و مانند آن، از گروه دوم می‌باشد. پاکسازی قلب از هرگونه ناپاکی و آلودگی و مدارا با خویشان در برابر تحمیل و فشار بر خود و امثال آن، از گروه سوم به شمار می‌رود. اسراف و تبذیر نکردن و پرهیز از تخریب مواهب الهی و مانند آن نیز در گروه چهارم قرار می‌گیرند. ۵. داستان‌ها و تواریخ قرآن مجید را معیار نظم مباحث و معیارهای حاکم بر دسته‌بندی آیات اخلاقی قرار داد.

قرآن مجید قسمت مهمّ مباحث اخلاقی و عملی را در لابه‌لای شرح تاریخ گذشتگان و اقوام پیشین آورده و به خوبی مجسم ساخته است که هر کدام از این رذایل و فضایل چه بازتاب‌های گسترده‌ای در جوامع انسانی دارد و عاقبت کار آنها به کجا می‌رسد تا نتیجه‌گیری از آن برای هر خواننده و شنونده‌ای بسیار آسان و عمیق باشد.

با این معیار، نخست باید به سراغ داستان آفرینش آدم 7 و حوا و وسوسه‌های شیطان

و دور شدن آنها از بهشت رفت و رذایلی را که سبب پیدایش ماجرای عبرت‌انگیز طرد شیطان از بساط قرب خداوند و محروم شدن آنان از بهشت شد، بررسی نمود. سپس نوبت به داستان هابیل و قابیل و صفات زشتی می‌رسد که انگیزه‌ی قتل هابیل شد و به همین ترتیب، به سراغ داستان نوح 7 و ماجراهای دیگر تاریخی، به ویژه ماجرای قوم بنی‌اسرائیل و موسی 7، رفت و تا پیامبر خاتم، حضرت محمد مصطفی 9، ادامه داد.^{۱۲}

و. راه دیگر استخراج آیات اخلاقی این است که با بررسی همه‌ی آیات، آیتی را که مناسبتی با موضوعات اخلاقی دارند، انتخاب و دسته‌بندی نمود.

با این حال، چون هدف اصلی این پژوهش، استخراج و موضوع‌بندی آیات اخلاقی در قرآن کریم است، مناسب می‌باشد که ابتدا آیتی که مناسبتی با موضوعات اخلاقی دارند، شناخت. سپس با بررسی و جمع‌بندی آنها، در موضوعاتی دسته‌بندی گردند.

موضوع‌بندی آیات اخلاقی

با استفاده از تفسیر نمونه و مجموعه‌ی سه جلدی / اخلاق در قرآن، آیات اخلاقی انتخاب و در قالب موضوعات زیر دسته‌بندی می‌شوند:

اهمیت افلاق و تزکیه

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ أَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». (جمعه: ۲)

۲. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا». (شمس: ۹ و ۱۰)

۱. او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۲. هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت.

۱۲. همو، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۷.

ارزش مسن خلق

۱. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». (آل عمران: ۱۵۹)

۲. «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم: ۴)

۱. به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم و [مهربان] شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن، ولی هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش و] بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.

۲. و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

زمینه‌های لازم برای اخلاقی شدن الف. ممیط مناسب

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوِيَهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا (نساء: ۹۷)؛

کسانی که فرشتگان [قبض ارواح] روح آنها را گرفتند، در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ [او چرا با این که مسلمان بودید، در صف کفار جای داشتید؟! گفتند: ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم. آنها (فرشتگان) گفتند: مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟! آنها [عذری نداشتند و] جایگاهشان دوزخ است و سرانجام بدی دارند».

ب. معاشران و دوستان صالح

«وَيَوْمَ يَعْصُ الطَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا؛

و [به خاطر آور] روزی را که ستمکار دست خود را [از شدت حسرت] به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول [خدا] راهی برگزیده بودم. ای وای بر من، کاش فلان [شخص

گمراه] را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت، بعد از آن که [یاد حق] به سراغ من آمده بود! و شیطان همیشه خوارکننده‌ی انسان بوده است».

ج. خانواده و وراثت

«إِنَّكَ أَنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح: ۲۷)؛

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند».

د. فرهنگ و فضای جامعه

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح: ۲۹)؛

محمد ﷺ فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی، در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است».

تأثیر رفتار بر اخلاق

«كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (مطففين: ۱۴)؛

چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است».

تأثیر تغذیه بر اخلاق

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا (مؤمنون: ۵۱)؛

ای پیامبر ﷺ، از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید».

فضایل اخلاقی

- صبر و شکیبایی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (آل عمران: ۲۰۰)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». (بقره: ۱۵۳)

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر مشکلات و مصایب و هوس‌های سرکش] استقامت کنید و در برابر دشمنان [نیز] پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت نمایید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید».
۲. ای افرادی که ایمان آورده‌اید، از صبر [و استقامت] و نماز کمک بگیرید، [زیرا] خداوند با صابران است».

- شکر و سپاس‌گزاری

«وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل: ۴۰)؛

هر کس شکر کند، به سود خویش شکر کرده است و هر کس کفران کند، پروردگار من غنی و کریم است».

- توکل بر خدا

«وَمَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (ابراهیم: ۱۲)؛

و چرا بر خدا توکل نکنیم، با این که ما را به راه‌ها [ای سعادت] رهبری کرده است و ما به طور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد [و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم] و توکل‌کنندگان باید فقط بر خدا توکل کنند».

- شجاعت

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (احزاب: ۳۹)؛

[پیامبران پیشین] کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز خدا واهمه نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر [و پاداش‌دهنده‌ی اعمال آنها] است».

- صدق و راستی

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (مائده: ۱۱۹)؛

خداوند می‌گوید: امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد، برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که نه‌رها از زیر [درختان] آن می‌گذرد و تا ابد، جاودانه، در آن می‌مانند، هم خداوند از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنودند. این رستگاری بزرگ است.»

- عفو و گذشت

«وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَىٰ وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری: ۴۰)؛

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست. خداوند ظالمان را دوست ندارد.»

- حلم

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران: ۱۳۴)؛

همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند و هنگامی که خشمگین شوند، عفو می‌کنند.»

- عفت

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (مؤمنون: ۵-۷)؛

و آنها (مؤمنان) که دامان خود را [از آلوده شدن به بی‌عفتی] حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند و کسانی که غیر از این راه را طلب کنند، تجاوزگرند.»

- اجتماع‌گرایی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران: ۱۰۳)؛

و همگی به ريسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسيله‌ی وحدت] چنگ بزنيد و پراکنده نشويد و نعمت [بزرگ] خدا را به ياد آوريد که چگونه دشمن يکديگر بوديد و او ميانه‌ی دل‌های شما الفت ايجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شديد و شما بر لب حفره‌ای از آتش بوديد و خدا شما را از آن نجات داد. اين چنين خداوند آيات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شايد پذيرای هدايت شويد».

- اصلاح ذات بين

«وَ لا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُرْضَةً لِإِيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۲۴)؛
خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهيد و برای اينکه نيکی کنيد و تقوا پيشه سازيد و در ميان مردم اصلاح کنيد و خداوند شنوا و داناست».

- جهود و انفاق

«وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً أَنْتُمْ نُطْعَمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَنْ تُرِيدُوا مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لا شُكُوراً (دهر: ۸ و ۹)؛
و غذای [خود] را با اين که به آن علاقه [و نياز] دارند، به مسکين و يتيم و اسير می‌دهند [و می‌گويند]: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنيم و هيچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهيم».

- امانت‌داری

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً (نساء: ۵۸)؛
خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهيد و هنگامي که ميان مردم

داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند شنوا و بیناست.»

- وفای به عهد

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۴)؛
و به عهد [خود] وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.»

ردایل اخلاقی - تکبر و استکبار

«قِيلَ ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (زمر: ۷۲)؛
به آنان گفته می‌شود: از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید. چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران.»

- مرص و قناعت

«وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمُزَةٍ * الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ * يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (همزه: ۱ - ۳)؛
وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده‌ای! همان کس که مال فراوانی جمع‌آوری و شماره کرده‌است [بی‌آن که حساب مشروع و نامشروع آن کند] او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد.»

- هب دنیا

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ...؛
بدانید زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است.»

- حسد

«وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (فلق: ۵)؛
و از شر هر حسودی، هنگامی که حسد می‌ورزد.»

- غرور و فودبینی

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ (لقمان: ۳۳)؛ ای مردم، ... به یقین وعده‌ی الهی حق است. پس مبدا زندگی دنیا شما را بغرید و مبدا [شیطان] فریبکار شما را به [کرم] خدا مغرور سازد».

- آرزوهای دراز

«يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّكُمْ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (حدید: ۱۴)؛ [منافقان] آنها را صدا می‌زنند: مگر ما با شما نبودیم؟! می‌گویند: آری! ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار [مرگ پیامبر را] کشیدید و [در همه چیز] شک و تردید داشتید و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرارسید و شیطان فریبکار [نیز] شما را در برابر [فرمان] خداوند فریب داد».

- تعصّب و لجابت

«وَ ائِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا اَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ اَصْرَوْا وَ اسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (نوح، ۷)؛ و من (نوح) هر زمان آنها را دعوت کردم که [ایمان بیاورند] تو آنها را بیمارزی، انگشتان خویش را در گوش‌هایشان قرار دادند و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدت استکبار کردند».

- شهوت‌پرستی

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا * اَلَا مَنْ تَابَ وَ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُوْنَ شَيْئًا (مریم: ۵۹ و ۶۰)؛ اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تبه کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی [مجازات] گمراهی خود را خواهند دید، مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد».

- غفلت و بی‌فبری

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ هُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹)؛

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلان‌اند».

- بخل و امساک

«هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعُونَ لِنُفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلْ وَمَنْ يَبْخُلْ فَأَنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (محمد: ۳۸)؛

آری! شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید. بعضی از شما [بخل] می‌ورزید و هر کس بخل ورزد، به خود بخل کرده است و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد؛ پس آنها مانند شما نخواهند بود [و سخاوتمندان در راه خدا انفاق می‌کنند]».

- عجله و شتاب

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (احقاف: ۳۵)؛

پس صبر کن آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای [عذاب] آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده‌هایی را که به آنها داده می‌شود، ببینند، احساس می‌کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز [در دنیا] توقف داشتند. این ابلاغی است برای همگان. آیا جز قوم فاسق هلاک می‌شوند؟!»

- جاه‌طلبی

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (قصص: ۸۳)؛

[آری] این سرای آخرت را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده‌ی برتری‌جویی در زمین و فساد ندارند و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است».

-بهبان‌جویی و لجاجت

«أَمَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ أَنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ (ملک: ۲۱)؛
آیا آن کسی که شما را روزی می‌دهد، اگر روزی‌اش را بازدارد [چه کسی می‌تواند نیاز شما را تأمین کند؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می‌ورزند!]

-کفران نعمت

«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم: ۷)؛
هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر کفران کنید، مجازاتم شدید است».

-غیبت

«وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات: ۱۲)؛
و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟! به یقین، همه‌ی شما از این امر کراهت دارید».

-دروغ

«أَنَّمَا يُفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ». (نحل: ۱۰۵)
«آن‌الله لایهدی مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (زمر: ۳)؛
خداوند آن کس را که دروغ‌گو و کفران‌کننده است، هرگز هدایت نمی‌کند».

-مجادله و مرء

«وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ أَنْ أَعْطَمُوهُمْ أَنكُمْ لَمْ تُشْرِكُونَ (انعام: ۱۲۱)؛

و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند تا با شما به مجادله برخیزند. اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود».

-سفن چینی

«وَلَا تَطْعَمْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ * هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ * مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اِثِيمٍ * عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ؛ (قلم: ۱۰ - ۱۳)؛

و از کسی که بسیار عیب جوست و به سخن چینی آمد و شد می کند و بسیار مانع کار خیر و متجاوز و گناه کار است، علاوه بر اینها، کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است، پیروی مکن».

-سوء ظن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ... (حجرات: ۱۲)؛
ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، زیرا بعضی از گمان ها گناه است...».

-تجسس یا جست و جو در کارهای خصوصی مردم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا (حجرات: ۱۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، زیرا پاره ای از گمان ها گناه است و [در کار دیگران] تجسس نکنید و یکدیگر را غیبت ننمایید».

- افشای راز

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا (آل عمران: ۱۱۸)؛
ای کسانی که ایمان آورده اید، محرم اسراری از غیر خودتان انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شرّ و فسادی درباره ی شما کوتاهی نمی کنند».

- نادانی

«انْكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّجْهَلُونَ (نمل: ۵۵)؛
لوط 7 به قوم منحرفش فرمود: آیا شما به جای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان
می‌روید؟! شما قومی نادانید».

- ریاکاری

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ* الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤْنَ* وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ
(ماعون: ۴ تا ۷)؛
پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند. همان کسانی که ریا می‌کنند
و دیگران را از وسائل ضروری زندگی منع می‌نمایند».

گام‌های عملی برای تزکیه

- اخلاص

«فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (غافر: ۱۴)؛
خداوند [یگانه] را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود
باشند».

- توبه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (تحریم: ۸)؛
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی خدا بازگردید و توبه کنید؛ توبه‌ای خالص و بی‌شائبه.
امید است [با این کار] پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت، که
نهرها از زیر درختانش جاری است، داخل کند».

- مشارطه

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ
مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب: ۲۳)؛

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند، صادقانه، ایستاده‌اند. بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تبدیل و تغییری در عهد و پیمان خود ندادند».

-مراقبه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
(حشر: ۱۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از [مخالفت] خدا بپرهیزید و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده و از [مخالفت] با خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است».

-محاسبه

«وَ أَنْ تَبْذُؤا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ (بقره: ۲۸۴)؛
اگر آنچه را در دل دارید، آشکار کنید یا پنهان نمایید، خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می‌کند».

-معاقبه و معاقبه

وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (توبه: ۱۱۸)؛
[همچنین] آن سه نفر را که [در مدینه] بازماندند [و از شرکت در تبوک خودداری کردند و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند] تا آن حد که زمین با همه‌ی وسعتش بر آنها تنگ شد و [حتی] جایی در وجود خویش برای خود نمی‌یافتند و دانستند که پناهگاهی از خدا، جز به سوی او نیست. در این هنگام، خدا آنان را مشمول رحمت خود ساخت [و به آنان توفیق داد] تا توبه کنند [و خداوند توبه‌ی آنها را پذیرفت] که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است». (جمله‌ی «وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ؛ نفس آنها بر آنها [نیز] تنگ شد.» ممکن است اشاره به «معاقبه‌ی نفس» باشد که آنان برای مجازات خویشان، یکدیگر را ترک گفتند و در انزوای مطلق فرورفتند).

جمع‌بندی

برای روشن شدن معنای اخلاق در قرآن، می‌توان از آیاتی کمک گرفت که در آنها واژه‌ی اخلاق یا مترادف آن به کار رفته باشد. برخی از واژه‌هایی که در قرآن کریم در این زمینه استفاده شده است، در مقایسه با کلمه‌ی اخلاق، مفهومی پیچیده‌تر، غنی‌تر و پربارتر دارند و پاره‌ای دیگر از آنها دارای مفهومی مساوی با مفهوم اخلاق هستند.

نخست آیاتی که اخلاق را بیان می‌کند: واژه‌ی *حُلق* دو مرتبه در قرآن آمده است: یکی، در سوره‌ی شعرا، آیه‌ی ۱۳۷ (ان هذا الا خلق الاولین) که به عادت تفسیر شده است^{۱۳} و دیگری، در سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۴ (انک لعلی خلق عظیم) که بر سیره‌ی اجتماعی و اخلاق خوش پیامبر اکرم ﷺ تفسیر گشته است؛^{۱۴} بدین ترتیب، در آیه‌ی نخست، خلق در صفات و افعال ناپسند به کار رفته است و آیه‌ی دوم نیز به صفات نیک و پسندیده اشاره دارد.

در بررسی آیات، برای یافتن مترادف‌های اخلاق نیز مشخص شد که تزکیه، فراگیرترین واژه‌ای است که بر اخلاق قرآنی تطبیق می‌کند و چون منحصر در ملکات نفسانی یا فضایل و رذایل نمی‌باشد، از نظر بار معنایی نیز پربارتر از اخلاق است.

تزکیه

پژوهشگران قرآنی گفته‌اند که تزکیه در قرآن به یکی از معانی زیر به کار رفته است: رشد و نمو، پاک‌ی نفس انسانی و مقدار معینی از مال که برای مساکین پرداخت می‌شود. این معانی به یک چیز برمی‌گردد و آن، رشد و نمو است.

راغب در *مفردات* می‌آورد: «اصل معنای زکات، رشد و نمو است و نیز به مقداری از مال که به عنوان حق الهی به فقیران داده می‌شود، زکات گفته می‌شود، زیرا سبب رشد مال، جان یا هر دو می‌شود و نیز به رشد نفس انسانی که از راه انجام کارهای رشدآور میسر می‌گردد، زکات گفته می‌شود»^{۱۵}.

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، چ ۱۵، ص ۳۰۲.

۱۴. همان، چ ۱۹، ص ۳۶۹.

۱۵. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب‌القرآن*، ص ۲۱۳.

طبرسی در مجمع‌البیان می‌گوید: «در زبان عرب، زکات، رشد و زیاد شدن، به یک معناست».^{۱۶} صاحب‌التحقیق فی کلمات‌القرآن می‌نویسد: «سخن مطابق با حقیقت آن است که اصل یگانه در معنای ماده‌ی زکاة، دور ساختن و بیرون کردن امور ناحق از متن سالم است، همچون پیراستن قلب از صفات رذیله و پیراستن برنامه‌های زندگی از رفتارهای زشت و ناپسند و پرداختن حقوق‌الناس و برکنار کردن هر چه فاسد و باطل است از متن حیات درست و سالم».^{۱۷}

علامه طباطبایی نیز در تفسیر و مفهوم واژه‌ی ترکیه می‌آورد: «تزکیه، پاکیزه ساختن به معنای پیراستن آرایش‌ها و آلودگی‌هاست که شامل پاکسازی باورهای فاسد، همچون پیراستن شرک و کفر و پیراستن اخلاق از ملکات رذیله‌ای مانند کبر، حرص و کارهای زشت و ناپسند از قبیل کشتن و زنا کردن می‌شود».^{۱۸} آیت‌الله مصباح یزدی بر این باور است که واژه‌ی ترکیه از لغاتی است که اگر بخواهیم آن را در فارسی بیان کنیم، باید از چند لغت کمک بگیریم و معادل دقیقی برای آن یافت نمی‌شود. تزکیه دلالت دارد بر کاهش‌ی که همراه افزایش باشد، مانند درختی که شاخ و برگ او را می‌زنند تا رشد کند. در فارسی لغتی که به تنهایی این دو مطلب را افاده کند، نداریم. گاهی، تزکیه را به انماء تفسیر می‌کنند و گاهی به حذف زواید، در حالی که هر دو در معنای تزکیه وجود دارد.^{۱۹}

بدین سان باید گفت که تزکیه، واژه‌ای عربی است و در زبان فارسی واژه‌ای که معنای آن را رسانده و معادل آن باشد، سراغ نداریم. مفاهیمی از قبیل شکوفایی استعدادها، بالندگی و رشد و کمال یافتن در معنای تزکیه مندرج است. کاربرد این کلمه، در پرورش درخت است و مقصود از آن، رسیدگی به درخت، هرس کردن، آب و خاک و نور مناسب آن را تأمین کردن به منظور رشد و به ثمر نشستن آن می‌باشد. در موارد یادشده، باغبان جهت اثباتی و جهت سلبی را برای رشد درخت انجام می‌دهد؛ از سویی، دادن آب و کود و

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۹۷.

۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات‌القرآن، ج ۴، ص ۳۳۷.

۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۳۳۰.

۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، مجله‌ی معرفت، ش ۱۳، ص ۷.

فراهم کردن نور و حرارت کافی و از سوی دیگر، قطع شاخ و برگ‌های اضافی و هرس کردن آن نیز ضروری است.

تزکیه درباره‌ی انسان نیز این دو بعد را دارد؛ از سویی، باید اموری را در نفس ایجاد کرده، از سوی دیگر هم باید اموری را از آن بزدااییم. این وجه تشابه تزکیه‌ی درخت و انسان است. البته تزکیه‌ی انسان ارادی و اختیاری است، در حالی که درخت اختیاری ندارد.^{۲۰}

علامه طباطبایی نیز اصلاح نفس و تزکیه را مطرح می‌کند و در معنای لغوی تزکیه، رشد و نمو و گاهی طهارت و پاکیزگی را پذیرفته است.^{۲۱} ایشان تزکیه را به این معنا، اسلام واقعی می‌داند و می‌گوید: «تزکیه به معنای تطهیر از پلیدی‌های قلبی و خالص کردن دل برای بندگی است و معنای اسلام هم همین است».^{۲۲} ایشان در جلد اول *المیزان*، به طرح سه مکتب اخلاقی می‌پردازد: مکتب اخلاقی یونان، مکتب اخلاقی انبیا و ادیان پیش از اسلام و مکتب اخلاقی قرآن.^{۲۳} علامه، در ادامه، بیان می‌دارد: «تفاوت این سه مکتب، تفاوت مرحله‌ی پایین و متوسط و عالی است و فاصله‌ی زیادی میان آنها وجود دارد. مکتب اول، دعوت به حق اجتماعی می‌کند، در حالی که مکتب دوم به حق واقعی و کمال حقیقی، که موجب سعادت اخروی است، دعوت می‌نماید، ولی دعوت مکتب سوم به حق مطلق، یعنی خداوند است و اساس تربیت خود را بر پایه‌ی توحید خالص قرار می‌دهد و نتیجه‌ی آن هم بندگی خالص می‌باشد».^{۲۴}

بنابراین، اخلاق به معنای متخلق شدن در قرآن مجید با عنوان تزکیه مطرح شده است و قرآن رستگاری انسان را وابسته به تزکیه می‌داند؛ از این رو، در آیات ۷ تا ۱۰ سوره‌ی شمس، مصداق تزکیه (رشد) یا تدسیه (پوسیدگی) را «نفس» انسان برمی‌شمارد. آیات زیادی مانند آیه‌ی ۲ سوره‌ی جمعه نیز یکی از اهداف بعثت پیامبر ﷺ را تزکیه‌ی مردم بیان می‌کند. در برخی آیات مانند آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی توبه، نیز حکمت رعایت احکام را تزکیه عنوان می‌نماید.

۲۰. همو، *آیین پرواز*، ص ۲۰.

۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج ۲۰، ص ۳۰۶.

۲۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲۳. همان، ص ۳۵۵.

۲۴. همان، ص ۳۷۳-۳۷۵.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جوادی آملی، عبدالله، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.
۳. جوادی، محسن، *چشم‌اندازی به اخلاق در قرآن*، مجله‌ی نقد و نظر، ش ۱۳.
۴. جمعی از نویسندگان، *کتابشناخت اخلاق اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۶ ش.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع‌البیان*، ج ۱، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۷. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب‌القرآن*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب 7، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *آیین پرواز*، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *فلسفه‌ی اخلاق*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۱، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات‌القرآن*، ج ۴، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. مهدوی کنی، صدیقه، *ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن*، تهران، دانشگاه امام صادق 7، چ ۱، ۱۳۸۸ ش.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی